

بازیابی سازمان فضایی
باغ شهر صفوی قزوین
از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک

ویدا نوروزی رجبانی

محمدرضا جوادسی

زستان ۱۳۹۵

مهرار

سرشناسه: نوروزبرازجانی، ویدا، ۱۳۴۳ - 1964 Norouzborazjani, Vida
عنوان و نام پدیدآور: بازیابی سازمان فضایی باغشهر صفوی قزوین، از منظر
 پدیدارشناسی هرمنوتیک/ ویدا نوروزبرازجانی، محمدرضا جوادی
مشخصات نشر: تهران: شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۳۲۷ ص.: مصور (سیاه و سفید)، نقشه، نمودار؛ ۲۹×۲۴ س.م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۴۰۹-۵-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۲۱ - ۳۲۷.
موضوع: معماری صفوی - ایران - قزوین
 Architecture, Safavid- Iran- Qazvin
موضوع: معماری اسلامی - ایران - قزوین - ترکیب، تناسب و غیره
 Islamic Architecture- Iran- Qazvin- Composition, Proportion, etc
موضوع: شهرسازی - ایران - قزوین
 City planing- Iran- Qazvin
موضوع: قزوین - تاریخ - قرن ۱۰-۱۲ ق.
 Qazvin (Iran)- History- 16-18th centuries
موضوع: قزوین - آثار تاریخی
 Qazvin (Iran)- Antiquities
موضوع: ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق.
 Iran- History- Safavids, 1502- 1736
شناسه افزوده: جوادی، محمدرضا، ۱۳۳۰ -
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ن ۹۴ ق/ ۸۱۴۸۷ NA
 رده‌بندی دی‌سی: ۷۲۰/۹۵۵۳۶۲۲
شماره ثبت کتابخانه ملی: ۴۴۴۸۹۸۹

1978
Mehraz

بازیابی سازمان فضایی باغشهر صفوی قزوین
 از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک

ویدا نوروزبرازجانی و محمدرضا جوادی

سرمایه‌گذار: مهراز

طراح جلد: ویدا نوروزبرازجانی

صفحه‌آرایی: آیلار جبّاری

ویرایش تصویرها: لعیا کلانتری، فرناز حقیقت

اسکن تصویرها: فرخ توکلی

تصویرهایی که قید منبع نشده‌اند: محمدرضا جوادی

ناظر امور فنی چاپ: خسرو آذربایجانی

ناشر: شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران

لیتوگرافی و چاپ: نفیس نگار

صحافی: نگاه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

قیمت: ۹۴۰۰۰ تومان

همه حقوق برای پدیدآورندگان محفوظ است.

جهت استفاده از متن، تصویرها، طرح‌ها و نقشه‌های کتاب کسب مجوز کتبی از

پدیدآورندگان الزامیست.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۴۰۹-۵-۷

شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران

بلوار کشاورز، خیابان ورنوس، خیابان رستاک، شماره ۵

فکس: ۸۸۹۷۲۷۱۵

www.yadavaran.ir

تلفن: ۸۸۹۷۲۷۱۶

E-mail: info@yadavaran.ir



فهرست گفته‌ها

پیش‌گفتار

گفتار یکم - مکان قزوین

۳	۱	پُشته‌ی ایران
۱۵	۲	دشت قزوین
۲۸		پی‌نوشت‌های گفتار یکم

گفتار دوم - پیشینه‌ی قزوین

۴۱	۱	از زمان‌های کهن تا گشوده شدن شهر ساسانی به دست نومسلمانان
۷۳	۲	حمله‌ی شهر در بیرون از باروی شاپوری
۷۸	۳	شکل‌گیری شهر دوران اسلامی
۹۴		پی‌نوشت‌های گفتار دوم

گفتار سوم - قزوین در زمان صفویان

۱۱۳	۱	سرچشمه‌های پژوهش در باستانی و بازسازی سازمان فضایی شهر سلطنتی دوران صفوی قزوین
۱۱۴	۲	گزارش دیوان جنات عدن اثر عباسی بیگ شیرازی
۱۳۶	۳	گزارش طراحی‌های انگلبرت که فرمانده شهر قزوین
۱۵۲	۴	بیان کلیت مجموعه‌ی جعفرآباد و آغاز بنای دارالسلطنه‌ی شاه طهماسب اول صفوی
۱۵۴	۵	میدان اسب
۱۶۵	۶	خیابان جعفرآباد
۱۸۵	۷	میدان سعادت
۲۰۲	۸	باغ‌شهر سلطنتی سعادت‌آباد
۲۵۲	۹	گستره و مکان باغ‌شهر سعادت‌آباد، درگاه‌ها و خیابان‌های اصلی آن
۲۶۳	۱۰	طرح شهر سلطنتی جعفرآباد
۲۷۷		پی‌نوشت‌های گفتار سوم

آینده از پیش با ماست

هر زمان که از پژوهشی پیرامون گذشته سخن می‌رود، گویی گذشته آن چیزی است که سپری شده و دیگر جایی در میان ما ندارد. اما همان‌گونه که آینده‌ی ما از پیش با ماست، گذشته‌ی ما نیز در تار و پود بودنمان جریان دارد و ما را به آینده‌مان پیوند می‌زند و این امری است که یافته‌های علم جنین‌شناسی نوین نیز بر آن گواهی می‌دهد. کارآموده‌های این علم چنین گزارش می‌دهند که سلول‌های شکل‌دهنده‌ی هر یک از ما نه تنها به ارث برنده‌ی ویژگی‌های نهادینه در والدین ما که وارث خصوصیات صدها نسل گذشته‌ی ماست و از این‌رو گذشته‌های بسیار دور هنوز نیز در وجود طبیعی ما موجودند و آیندگان ما را شکل می‌دهند. بر این اساس از گذشته گریزی نیست و حتی اگر چند صباحی از آن روی‌گردان باشیم به سراغمان خواهد آمد و آن بی‌توجهی که در دایره‌ی تخصص ما دستامدش بی‌سامانی فضای معماری و شهریمان است را گاه با اندوهی ژرف به یادمان می‌آورد. پژوهشی که در دسترس قرار گرفته تأمل بر همان‌گونه از گذشته‌هایی است که راه آینده را جستجو می‌کند و با توجه به بحران‌های کنونی در حوزه‌ی زیست‌بوم از اهمیت بسیار برخوردار است.

توجه به بحران سکونت در چند دهه‌ی اخیر اندیشمندان رشته‌های معماری و طراحی شهری را با طرح بحث‌هایی پیرامون شیوه‌ی زندگی انسان در بناها و شهرها مواجه ساخته و از این‌رو پس از آنکه اهمیت پرداختن به مفهوم شهر و چگونگی طرح‌اندازی پایدارتر آن در جهان امروز که بنا به گزارش‌های موجود در آینده‌ای بسیار نزدیک با بحران در سکونت مواجه خواهد بود، دیگر موضوعی ناشناخته نیست. پژوهش‌گران بسیاری کوشش جدید را بر این امر استوار ساخته و به پدیده‌ی شهر و موجودیت تاریخی آن از جهت یافتن الگوهایی نظری و کاربردی برای طرح شهرهای آینده نگرسته و می‌نگرند.

همچنین توجه به این امر که هیچ متنی نمی‌تواند خارج از متن‌های پیشین خود مورد بررسی قرار گیرد، الگوی بسیاری از پژوهش‌های پسا‌ساختارگرا را شکل بخشیده و این نشان می‌دهد که جهان امروز بار دیگر به اهمیت گذشته در شکل‌گیری آینده توجه نشان داده است. از این‌روست که آموختن از گذشته برای یافتن راه‌های استوارتر سکونت آدمی بر این سیاره، محور اصلی پژوهش در نهادهای بین‌المللی و مطالعات طراحی پایدار در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مختلف جهان گردیده است.^۲ از این چشم‌انداز توجه آغازین این پژوهش پرداختن به پدیده‌ی شهر و چگونگی طرح‌اندازی پایای آن در سرزمین کهن ایران است. بررسی فضاهای معماری و طرح‌های شهری در ایران نشان می‌دهد که معماران کهن این سرزمین چه به لحاظ اصول شکلی و چه پاسخ‌گویی به جوانب فنی و محیطی در زمان خود بسیار سنجیده عمل کرده‌اند. اما در چند دهه‌ی اخیر و طی

گذار از سنت به‌سوی مدرن شدن سرزمین، رویکردهای صوری، برگرفتنی‌ها و نسخه‌برداری‌های شکلی از دستاوردهای دوران مدرن و به‌عبارتی واردات مدرنیته توجه به این اصول را به فراموشی سپرده و این در حالی است که تلاش‌های اندکی برای شناخت آنها به‌عمل آمده است.

بر این اساس پژوهش حاضر بر بازنگری مجدد بر اصول، راهکارها و خلاقیت‌های مرتبط با زمان و مکان در طراحی شهرها در سرزمین ایران، پیش از ورود جریان‌های مدرن در تمرین‌های طراحان، تمرکز کرده است. محدوده‌ی اصلی این پژوهش شهر دوران صفوی و موضوع آن اندیشه‌کردن بر چگونگی سازمان فضایی و خوانش تاریخی طرح شهرهای صفویان با تکیه بر شهر قزوین؛ پایتخت دوم آنان است که در حال حاضر تنها تهرنگی از آن بر میانه‌ی شهر امروزی برجای مانده است. مراد از سازمان فضایی انتظام میان عناصری است که شهر را به‌مثابه یک کل هدفمند معرفی می‌کنند و لبه‌ها، مسیرها، پهنه‌ها و توده‌ها چهار ویژگی هندسی بنیادین در تعریف آن به‌شمار می‌آیند. بدین معنا که این سازمان همان قابلیت است که شهر را به‌مثابه تمامیتی شکل گرفته از مراکز، راه‌ها، نهادها و قلمروها گرد هم می‌آورد و تلاش برین پژوهش یافتن این تار و پود پنهان در شهر دوران صفوی قزوین است.

در میان پژوهش‌گران عصر صفوی تردیدی بر این امر وجود ندارد که ساختار شهر در این دوران از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است، اما چگونگی چنین امری همواره می‌تواند موضوع پژوهش‌های جدیدی باشد که به فراخور نگاه و رویکرد خود بار دیگر به تفسیر ساخته‌های صفویان پرداخته و نکات مبهم آن را مورد بررسی و درنگ قرار دهند. این ادعا را آن‌رو اهمیت دارد که به‌گفته‌ی اکثر پژوهش‌گران، طراحان شهری دوران صفوی در پس این نسل خردمندی بودند که به‌درستی از دستاوردهای دیرینه‌ی کهن سرزمین ایران بدای به اجرا درآوردن آرمان شهرهای خود بهره‌جسته‌اند. آثار باقی‌مانده از دستاوردها و ساخته‌های آنان هنوز نیز مایه‌ی شگفتی بازدیدکنندگان و الهام‌بخش معماران بزرگی است که از آنها دیدن می‌کنند. با این وجود ساختار باغ-شهرهای صفوی هنوز به‌طور همه‌جانبه مورد پژوهش قرار نگرفته و همچنان ناشناخته باقی مانده است.

بررسی‌های باستان‌شناسی، مطالعات تاریخ‌نگاری شهر، ادبیات مکتوبی چون تاریخ‌نگارهای رسمی و نیمه‌رسمی و روزشمارهای سلطنتی، منابع تصویری چون نقشه‌ها و عکس‌های هوایی و شرح جهانگردانی که از این شهرها بازدید کرده و گاه آنها را به تصویر کشیده‌اند و همچنین مقایسه‌ی تطبیقی میان خود شهرها منابع این بررسی را شکل داده‌اند که به‌ندرت به شکل کامل، جامع و در یک زمان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و در نتیجه تصویرهای مبهم، نادقیق و گاه آمیخته با انحرافی از این ساخته‌ها به‌خصوص آنانی که در گذر زمان رنگ باخته و تا حدود زیادی از میان رفته‌اند به‌دست داده شده است.

بازبینی جامع متن‌های یاد شده افزون بر آن‌که به فهم و تجربه‌ی پژوهش‌گر از مبانی طراحی و معماری وابسته است، در همان زمان به آشنایی با ادبیات، اسطوره، تاریخ، مناسبات اجتماعی و سیاسی و حتی دیدگاه‌های فلسفی یا به تعبیری گفتمان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره نیز پیوند مستقیم دارد. به گونه‌ای که صرف تخصص در زمینه‌ی ادبیات، تاریخ و یا معماری به تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌های درخوری به پرسش‌های این پژوهش را فراهم آورد. زدودن زنگار تفسیرهای اشتباه و تناقضات وجه اهتمام دیگری است که این پژوهش به قصد آن تدارک دیده شده است.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

این بررسی به نیت فهم سازمان فضایی طراحی کلان شهر قزوین که با وجود بررسی‌های گوناگون هنوز در هاله‌ای از ابهام باقی مانده صورت گرفته است، اما چنین ضرورتی را وجوه دیگری نیز برای نویسندگان از اهمیت برخوردار بوده است:

۱- نخست از دیدگاه فراموش‌شدگی سابقه‌ی کمینه چهار هزار ساله‌ی کشور ایران در امر برپا داشتن و استمرار یافتن در شهرها و کم‌توجهی به آن در دوران معاصر به ویژه در محافل آموزشی

۲- از وجه پی‌آمد ناپسند تداوم این بی‌توجهی که منجر به تخریب گسترده‌ی این دستاوردهای بی‌همتای طول پنج دهه‌ی اخیر و فراموش‌شدگی کامل آنان شده است؛

۳- از منظر وضعیت نابسامان معماری و طراحی شهری در کشور که بازتاب آن در چهره‌ی معماری امروز ما در شهرهای بزرگ و کوچک، نمودار نمایان است و نشانگر غفلت از فهم گذشته است.

از این رو اساس این پژوهش بر پایه‌ی پرسش‌های بنیادین زیر پی‌گیری شده است:

شهر قزوین دوران صفوی از چه سازمان فضایی کلانی برخوردار است؟

طراحان عصر صفوی در عرصه‌ی طراحی شهر چگونه همراه با توجه به

تداوم سنت‌ها به نوآوری دست یافته‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

به منظور به انجام رساندن نیت این پژوهش افزون بر به پرسش گذاشتن فرض‌های موجود در باب چیستی این پدیده، مجموعه‌ای از روش‌های پژوهش و تحلیل که سازگار با رویکرد فلسفی پدیدارشناسی هرمنوتیکی است، جهت خوانش طرح کلان شهر به کار گرفته شده‌اند. استفاده از چنین رویکردی در این پژوهش از آن رو اهمیت دارد که جهت‌گیری کلی آن بر این امر استوار است که تمام فهم‌ها از پدیده‌های

فرهنگی سیال، گذرا و تاریخ‌مند بوده و درک نهایی و غیرقابل تفسیر مجددی از متن وجود ندارد؛ به این معنا که فهم متن عملی بی‌پایان است. آن چه که در این میان اهمیت دارد آن است که در این تأمل به‌حتم به دنبال تمامی جزئیاتی که سازمان شهر صفوی قزوین را شکل بخشیده و همچنین پیوند دقیق روابط تمامی اجزای آن با یکدیگر خواهیم بود، چراکه این امر به دلیل از میان رفتن شواهد عینی و ملموس نه ممکن است و نه تلاشی مورد لزوم، آن چه که این بررسی به دنبال آن است دست یافتن به سازمان کلان فضایی شهر قزوین و نه جزئیات شهرسازانه آن است.

همچنین در خوانا کردن متن شهر قزوین دوران صفوی به‌جز بازسازی کلامی، شهر در مقاطع و دوران‌های مختلف تاریخی مورد بازسازی تصویری نیز قرار گرفته و تناقضات موجود در بازسازی‌های انجام یافته‌ی پیشین نیز نشان داده شده است.

بُن‌مایه‌های ادبی پژوهش

مهم‌ترین منابع مکتوب و منظومی که از آنها می‌توان به‌منظور چنین خوانش و بازسازی بهره بُرد، حسام‌الدین بنج دفتر شعری است که عبدی‌بیگ نویدی شیرازی شاعر دربار شاه طهماسب اول صفوی به دستور او و در حدود زمان به‌پایان رسیدن شهر دوران صفوی تدریس به نام جعفرآباد (باب‌الجَنَّة) مشهور به دارالسلطنه به سال ۹۶۷هـ.ق (۹۳۸ خورشیدی) در آنجا به‌بدان کمابیش دقیق این شهر پرداخته و مجموعه‌ی آنها را در دیوان جَنّات‌عدن حرّسم آورده است. این پنج رساله به ترتیب روضة‌الصفات، دوحه‌الازهار، جَنَّة‌الاثمار، زینت‌الاراق و صحیفه‌الخلاص نام دارند. دیوان جَنّات‌عدن، گزارش مستند شاعرانه‌ی است از برپایی شهری نو در دل شهر کهن که بیان آن سازگار با روح ایرانی است. روحی که خود را نه در تفکر عقلی محض که در بینش خیال‌انگیز شاعرانه بروز می‌دهد. این از اینروست که این سرزمین را به‌درستی سرزمین شعر نامیده‌اند. این پنج رساله فضای طرح‌افکننده و به‌اجرا درآمده‌ی خیال معماران شهر صفوی قزوین را از در کلام خیال‌انگیز شاعر بازآفرینی کرده و پژوهش حاضر تلاش دارد تا از طریق این کلام میانجی و با تکیه بر خیال جویندگان، راه خود را به خیال طراحان این فضای شهری بازجوید. از دیگر منابع مکتوبی که در این بررسی مورد توجه ویژه قرار گرفته‌اند، تاریخ نامه‌های رسمی و نیمه‌رسمی این دوران چون تاریخ عالم‌آرای عباسی نوشته‌ی اسکندربیک منشی، نقاوة‌الآثار فی ذکر الاخبار نوشته‌ی افوشته‌ای نطنزی، خلاصة‌التواریخ و گلستان‌هنر از میرمنشی قاضی قمی و روضة‌الصفویه اثر میرزا بیگ جناب‌دلی است. همچنین این پژوهش بدون ژرف‌نگری بر سفرنامه‌ها و طرح‌نگاره‌هایی که توسط جهانگردانی چون دُن گارسیاد سیلویا فیگوئروا، پیترو دل‌واله، ژان شاردن، انگلبرت

کمپفر، اوژن فلاندن، پاسکال کوست، هینریش کارل بروگش و ارنست اورسل که یا در زمان صفویان و یا پس از آن در دوران قاجار از این شهرها دیدن کرده‌اند، به چاپ رسیده است، ممکن نبود. از این میان به‌ویژه طرح‌نگاره‌ها و پیمایش‌های انگلبرت کمپفر که در زمان شاه‌سلیمان صفوی در خلال سفرهایش به ایران در میان سال‌های ۱۰۹۹-۱۰۹۵ هـ.ق (۱۶۸۸-۱۶۸۴ میلادی، ۱۰۶۷-۱۰۶۳ خورشیدی) در حین دیدار و اقامت در شهر قزوین تهیه شده و به‌گمانی نخستین نقشه‌های دستی پیمایش شده از بناها و شهر قزوین دوران صفوی به‌شمار می‌آیند، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند.

خواندن متن نخستین نقشه‌ی شهر قزوین که به‌سال ۱۹۱۹ میلادی (۱۳۲۷ هـ.ق، ۱۲۹۸ خورشیدی) از روی عکس هوایی‌ای که توسط اسکادران هوایی انگلیس در سال ۱۹۱۸ میلادی گرفته شده بود، تهیه شده و همچنین نخستین عکس هوایی موجود از شهر قزوین که به‌سال ۱۹۵۶ میلادی (۱۳۳۵ خورشیدی) برداشته شده است نیز در شناسایی بافت شهر از مراجع مهم به‌شمار می‌آیند.

پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام یافته

تلاش‌های چندی در جهت حرارتی و بازسازی سازمان فضایی شهر قزوین در زمان صفویان به انجام رسیده است که از این میان می‌توان به کوشش‌های اوژن ویرت، مهوش عالمی، مهدی مجابی، محراب‌آه برغیاثوند، محمد دبیرسیاقي، احسان اشراقی، مهدی خوانساری، احسان دیزانی و ایداآهاجمی اشاره کرد. هر یک از پژوهندگان از منظری به چنین بازسازی‌ای اقدام کرده و گاه برخی از کلیت شهر و دارالسلطنه‌ی صفوی قزوین ارائه داده‌اند.

ساختار کتاب

این پژوهش از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیکی به پدیده‌ی شهر، نظر که شهر سلطنتی دوران شاه طهماسب اول صفوی در قزوین است توجه کرده و با بازخوانی روش‌مند متن تمامی سندهای برجای مانده از تاریخ آن دوران و همچنین پیش و پس از آن، به بازآفرینی نقشه‌ی ناموجود این شهر اقدام کرده است.

چنین دستاوردی ممکن نمی‌گشت مگر آن‌که در آغاز تا جای ممکن پیشینه‌ی تاریخی این شهر برپایه‌ی اسنادی مکتوب یا بنایی موجود شناسایی و به نقشه بدل می‌شد. پیگیری این پیشینه تا دوران ساسانی و برابر با شواهد موجود در خود شهر، سرآغاز مسیری بود که لایه‌های گوناگون شکل‌گیری شهر تا زمان صفویان را هموار ساخت. از این‌رو پژوهش پیرامون شهر صفوی قزوین راه خود را از خلال بررسی جغرافیای تاریخی شهری، منطقه‌ای و سرزمینی بازکرد و از همین‌رو در دو گفتار نخست این مجموعه جای‌گاه دشت قزوین در میان پُشته‌ی ایران و تاریخ

این سرزمین گزارش شده و برای هرچه خواناتر شدن گفتار، تمامی یافته‌ها و نوشته‌ها در شکل نقشه‌ها و همراه با تصاویر ارائه شده‌اند.

گفتار سوم به بررسی سرزمین قزوین در دوران صفویان اختصاص یافته و با گزارش مشروح پیرامون سرچشمه‌های پژوهشی در بازیابی و بازسازی سازمان فضایی شهر سلطنتی دوران صفوی قزوین آغاز شده است. تردید اندکی وجود دارد که بتوان شهری را در جهان یافت که شیوهی طرح‌اندازی‌اش پس از گذشت چهار سده در میان صدها بیت شعر سروده شده نگاهداری شده باشد. گرچه این مباحثات بر هر ملتی شایسته است، اما از روی دیگر جای هیچ افتخاری نیست که خود اثر دیگر موجودیتی ندارد و از مجموعه‌ی آن شهر و بناهایش تنها یک خیابان و سردری، در میان انبوه ساخت‌وسازهای بی‌اصل و نسب باقی مانده است. گزارش عبدی بیگ از دارالسلطنه‌ی صفوی قزوین نشان از آن دارد که بناهای بسیاری در میانه‌ی این شهر برپا بوده که تنها با مقایسه‌ی آنها با بناهایی از آن روزگار که نیک‌بختانه از گدازان به‌در برده‌اند، می‌تواند شکوه و عظمت آنها را یادآوری کند.

بی‌شک راه این پژوهش را می‌است که پایان نیافته و همواره برای پیمودنش جویندگانی را خواستار است.

ویدا نوروز

م. رضا جوادی

تهران، تابستان ۱۳۹۵

پی‌نوشت‌ها

۱- در حال حاضر سه میلیارد نفر از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و بر شمار این تعداد هر روز افزوده می‌شود، به‌گونه‌ای که برآوردها نشان می‌دهند تا سال ۲۰۵۰ میلادی شمار این جمعیت به شش میلیارد نفر یعنی نزدیک به هفتاد درصد جمعیت جهان خواهد رسید. همچنین برآورد شده است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی شاهد پدیدار شدن بیش از سی شهر با جمعیت بالای ده میلیون نفر خواهیم بود و این در حالی است که در ۱۹۵۰ میلادی تنها شش شهر در جهان جمعیتی افزون بر پنج میلیون نفر داشته است. همچنین در برخی از کلان‌سهرهای قاره‌ی آسیا تعداد جمعیت شهرها به سی تا چهل میلیون نفر خواهد رسید.

(World Urbanization Prospects•The 2007 Revision Population•Database.htm)

۲- در سایت سازمان جهانی اسکان بشر هدف از تشکل آن چنین آمده است:

«The United Nations Human Settlements Programme, UN-HABITAT, is the United Nations agency for human settlements. It is mandated by the UN General Assembly to promote socially and environmentally sustainable towns and cities with the goal of providing adequate shelter for all».

طی بیست سال گذشته، مراکز تحقیقاتی با هدف آموزش و پژوهش بر چگونگی سکونت پایدار در بسیاری از دانشگاه‌های جهان تاسیس شده‌اند. از جمله در دانشگاه UC Berkeley Extension در محبث مطالعات طراحی پایدار هدف از برگزاری واحد درسی 'Ethno-Ecology and Architecture' چنین آمده است:

«Learn to understand patterns of cultural attitudes that have preserved the natural world, and learn strategies to apply these principles in the modern world» (<http://extension.berkeley.edu/cat/course2522.html>).